

قرآن و ائمه اطهار در اشعار مرحوم دکتر سید امیر محمود انوار

نظام الدین نوری*

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۰

چکیده

آب دریا اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی بتوان چشید

مرحوم دکتر امیر محمود انوار سترگ‌مرد ادبیات هم در تاریخ ادب فارسی و هم در تاریخ ادب عرب به مثابه دریایی بود که هر کس به قدر درک و خواسته‌اش می‌تواند از آب زلال دریای علم‌اش سیراب شود. وی هم در شعر فارسی و هم در شعر عرب تبحری کامل داشته و در همه حال نسبت به پیامبر(ص) و ائمه اطهار ارادت ویژه‌ای را ابراز می‌کرده است. وی خدا را از راه محبت پرستش می‌کرد نه به امید ثواب و نه از ترس عقاب، بلکه عارفی بود که محبت خدا را در دلش جایگزین کرده بود. مرحوم تقریباً تمام ائمه و به علاوه چند تن دیگر که از این طایفه را یا به صورت قصیده یا غزل سروده و یا به صورت تک‌بیتی در خلال دیگر سروده‌هایش آورده است. بهترین نمونه آن را می‌توان در قصیده‌ای طولانی به نام «سلطان عشق» که در توصیف امام حسین سروده است مشاهده کرد.

کلیدواژه‌گان: خدا، پیامبر، ائمه، عرفان، دکتر امیر محمود انوار.

* عضو هیأت علمی دانشگاه هنر تهران.

مقدمه

محور اصلی تلاش علمی، فرهنگی و مذهبی مرحوم دکتر انوار را معارف اسلامی تشکیل می‌دهد و قرآن کریم نیز از جمله موارد مورد توجه وی بوده است و او به نحو اکمل از مضامین آیات استفاده کرده است. آری قرآن کریم را هیچ تفسیری نیکوتر و عالی‌تر از حدیث نیست و حدیث را هیچ مؤید و یآوری استوارتر و نیکوتر از حدیث نیست، چه موثق‌ترین و معتمدترین مفسر کلام خدای تعالی، پیغمبر(ص) و فرزندان بلندمقدار اویند و پروردگار دانا این مهم را بر عهده رسول عالی‌قدر خود نهاده است و به پیغمبر(ص) می‌فرماید: «ای پیغمبر! قرآن را نفرستادیم مگر برای اینکه آنچه را که میان مردمان مورد اختلاف است، روشن گردان و تفسیر کن.»

غالب محققان برای توصیف شخصیت‌های ولایت‌موردی سروده‌اند؛ برخی نیز مثل مرحوم دکتر انوار جمعی. وی تعداد زیادی از ائمه اطهار و شخصیت‌های مذهبی را مفصل توصیف کرده است.

مرحوم دکتر انوار هر یک از ائمه را با توجه به شخصیت‌هایشان از قبیل شجاعت، علم و فرهنگ و مذهب به نحو شایسته‌ای توصیف کرده است. مثلاً حضرت علی(ع) را در شجاعت، علم، فرهنگ و مذهب وصف کرده است و امام حسن را به حُسن، زیبایی و اخلاق حسنه و بزرگواری و حلم ستوده است، و امام حسین(ع) را به جهت عشق زیاد به خداوند و امام صادق را در علم و فرهنگ و معارف اسلامی و حضرت فاطمه را در دانایی، معرفت و دلیری و حضرت زینب را در سخنوری تفکیک حق و باطل و امام سجاد(ع) را در تبلیغات دینی و مواعظ و موثر بودن تبلیغات‌اش پس از واقعه غمبار کربلا، و حضرت عباس به وفاداری و شجاعت توصیف کرده و قدرت قلم و بیانش در این سروده‌ها مشخص شده است.

به نام خدای الهام بخش

فروغ علم خدایی ز نور وحی بجو

که ممکنات ز نور خدا گرفته ضیا

(انوار عشق، مرحوم دکتر انوار: ۳۶)

زنده یاد دکتر امیر محمود انوار آن سترگ عالم ادب و فرهنگ، در خانواده ادب و عرفان بالید و از کودکی در محضر پدر بزرگوارش دروس دینی و ادبی را آموخت و سپس دروس حکمت و عرفان و تفسیر را نزد عالمان گرانقدر آقایان: استاد سید عبدالله انوار، و حکیم محی الدین الهی قمشه ای و استاد دکتر سید جعفر شهیدی و دکتر ذبیح الله صفا و دکتر محمد معین و دیگر استادان وقت فرا گرفت.

مرحوم انوار عاشق بود، عاشق خدا، پیامبر(ص)، ائمه اطهار و اولیاء الله به طوری که در غالب سروده هایش حضرات را با احترام تمام توصیف کرده است.

با توجه به مضامین سروده هایش، در می یابیم که وی هم در ادب عرب و هم در ادب فارسی تبحری کامل داشت و موضوعاتی نظیر ستایش خداوند، آیات قرآن، احادیث، عرفان و اشاره به داستان های دینی را در اشعارش آورده است.

مرحوم با بیان گرم و گیرایش همه را تحت تأثیر عمیق قرار می داد و شخص وقتی از نزدش جدا می شد ساعت ها و شاید روزها تحت تأثیر سخنانش می بوده است. این جذابیت که در شخصیت والای وی سریان و جریان داشته، از برکت عشق به ولایت بوده است. وجود خدا، پیامبر و ائمه در زندگی پر از عشق و شور الهی مبدل ساخته و سپس به فضای روحانی رسانده است. چنانکه گوید:

چنان و جمله افلاک خاک در گه اوست
که توتیا بنهد دیده را ز عشق خدا
غلام همت آن باش کز سر مردی
گذشت از سر یاران و اهل با تقوی
مرحوم در اشعار ذیل ارادت خالصانه اش را نسبت به ائمه اطهار نشان می دهد:

از ساقی کوثر امین در گه حق
اسرار قرآن سیر ما اوحی شنیدیم
آن نغمه های بلبل بستان عرفان
طاووس فردوس برین زهرا شنیدیم
آوای پر سوز شهیدان الهی
در کعبه عشق خدا بطحا شنیدیم
از پاره پاره پیکر شاه شهیدان
بانگ وصال ایزد دانا شنیدیم
بانگ حیدر حق از حیدر شهنشاه امیران
فریاد عباس سپه را شنیدیم

انوار و عرفان

حال ازین رو که مطالعه آثار عرفان و درک معانی سخنان ایشان که قسمت اعظم ادب فارسی را فراهم می‌سازد، در گروه دانستن قوانین عرفانی و اسرار دقایق ربانی و قواعد تصوف اسلامی است باید نخست در این راه خدا را از خدا طلبید و در تفهیم و تدبیر در قرآن کریم کوشید. آری عرفان به عنوان راهی جهت آگاهی و نیل به کمالات معنوی و شناخت بیش‌تر وجود سرمدی، به حقیقت همان درک وحی است که دل و حقیقت اسلام است و با آیات قرآنی و سخنان و ائمه دین، پیوندی ناگسستنی دارد (دکتر امیر محمود انوار، مبانی عرفان و تصوف، نظام الدین نوری، مقدمه: ۱۰).

عارف واقعی مقام فقه و شریعت و عمل به آن را به عنوان اصلی استوار در عرفان و شناخت خدای لایزال می‌داند و به حکم تأمل و اندیشه در مسائل و به یاری ریاضت و تذهیب نفس و توجه به حق و کردار نیک قدم به عالم طریقت می‌نهد و علمی را که به دلیل عقل و برهان کشف کرده بود، اکنون به نور بصیرت و از راه دل و کشف و شهود در می‌یابد و پی می‌برد تا در این جهان دل قدم زند و سلوک کند و هر لحظه عوالم را به چشم بصیرت به نور حقیقت می‌بیند، و از همین لحاظ است که حکیم بزرگ ابوعلی سینا درباره شیخ ابوسعید ابی‌الخیر می‌گوید: «آنچه من می‌دانم، او می‌بیند.» و ابو سعید در پاسخش می‌گوید: «آنچه من می‌بینم، او می‌داند.» پس دانش، محصول برهان است و بینش محصول عرفان و ایمان، ثمره قبول و تعبد ایقان است، این‌ها مندرجات سه‌گانه‌اند (امام محمد غزالی، اعترافات: ۸۹).

عرفان به عنوان راهی برای رسیدن به مقام کمال معنوی و معرفت، جنبه درونی دین اسلام که در واقع قلب و حقیقت درونی و باطنی آن به شمار می‌رود. حقیقت عرفان و صورت عقاید را تشکیل می‌دهد که روش‌های آن به آغاز وحی می‌رسد و با معنی و صورت اسلام به آن نحو که در قرآن کریم یعنی محسوس‌ترین و مجسم‌ترین شکل اصول عقاید اسلامی آمده است، ارتباطی بسیار محکم دارد.

عرفان انسان خداشناس را به عالم بالا متوجه می‌سازد و محبت خدای تعالی را در دل‌اش جایگزین می‌کند.

عارف کسی است که خدا را از راه مهر و محبت پرستش می‌کند نه به امید ثواب و نه از ترس عقاب. از اینجا روشن است که عرفان را نباید در برابر مذاهب دیگر مذهبی شمرد بلکه عرفان راهی است از راه‌های پرستش، پرستش از راه محبت و برای درک حقایق ادیان در برابر راه ظواهر دینی در راه تفکر عقلی.

در میان صحابه پیغمبر(ص) تنها حضرت علی است که بیان بلیغ او از حقایق عرفانی و مراحل حیات معنوی به ذخایر بیکرانی مشتمل است، و در آثاری که از سایر صحابه در دست است خبری از این مسائل نیست.

در میان یاران او کسانی مانند سلمان فارسی و اویس قرنی و کمیل بن زیاد و میثم تمار پیدا می‌شوند و عامه عرفا که در اسلام به وجود آمده‌اند، ایشان را پس از علی(ع) در رأس سلسله‌های خود قرار داده‌اند(علامه طباطبایی، شیعه در اسلام: ۴۵).

وصف خداوند از زبان مرحوم

با گوش دل آوای اُرسِلنا شنیدیم	این نغمه از نای جهان آرا شنیدیم
ما قدسیان درگه اعلای سبحان	پیمان حق با آن شه اُسری شنیدیم
در اوج شهپر سوز شهباز جهاندار	اسرار پنهان از جهان آرا شنیدیم
از عیسی مریم نبی القدر جهان	از درگه الله ذوالحسنی شنیدیم
تکبیر قدوسی موسی حقیقت	سر ظهور شاه او ادنی شنیدیم
شرح فراق روح قدوسی آدم	در کعبه دل مهبط سینا شنیدیم

(انوار عشق: ۲۵ و ۲۶)

ائمه اطهار، حاملان نور محمدی و نماینده باطنی پیغمبر(ص) به شمار می‌روند، و نیز بعضی از آنان سهمی در تشکیل فرقه‌هایی از تصوف دارند که در میان اهل تسنن پیدا شد و نا ایشان در آن سلسله‌های صوفیه آمده است و تقریباً همه فرق صوفیه خود را به حضرت علی(ع) می‌رسانند(دکتر سید حسین نصر، سه حکیم مسلمان: ۱۰۲).

حضرت علی(ع) نخستین فرزند خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دو فرزند هاشم‌اند. پدرش ابو طالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبد مناف است و مادر او فاطمه دختر اسد فرزند هاشم بن عبد مناف می‌باشد. خاندان هاشمی از لحاظ فضائل اخلاقی و صفات عالیه انسانی در قبیله قریش و این طایفه در طوایف عرب، زبانزد خاص و عام بوده است. فتوت، مروت، شجاعت و بسیاری از فضایل دیگر اختصاص به بنی هاشم داشته است. یکی از فضیلت‌ها در مرتبه عالی در وجود مبارک حضرت علی(ع) موجود بوده است. پیامبر(ص) بعد از اتمام مراسم حج در آخرین سال عمر پر برکت‌اش در راه برگشت در محلی به نام غدیر خم در میان مردم، حضرت علی(ع) را به جانشینی خود انتخاب کرده است.

وصف حضرت علی(ع)

از زبان مرحوم دکتر انوار می‌خوانیم:
فصاحت چو بگشود چشم و دو لب
عرب فخر خود از علی یافته
ز دریای جود و ز بحر خلود
سر سروران کاسه خاک شد
چنین گفت با ما حکیم بزرگ
ز تیغ نیام و ز کام علی

خجل شد به درگاه میر عرب
فروع بلاغت از او تافته
به شمشیر بران کلام علی
دل بوعلی‌ها دو صد چاک شد
همان بوعلی فیلسوف سترک
دُری چون علی نیست اندر وجود

وقتی که دشمنان پیامبر را در تنگنا قرار می‌دهند ایشان علی(ع) را در بستر خود می‌خواباند و خود روانه مدینه می‌شود که این روز، روز بسیار بزرگی در تاریخ اسلام محسوب می‌شود و سال هجری اسلام از همین روز شروع می‌شود. در اینجا توجه‌مان را به سروده مرحوم انوار جلب می‌نماییم که چگونه دلیری و شجاعت‌های حضرت علی(ع) را به نگارش در آورده است:

کجا « لا فتی» آمدی بهر تو
که خوابید در بستر احمدی
به « لا سیف» گشتی تو با آبرو
در آن شام تاریک ترس و بدی
به یاری پیغمبر حق شتافت
که یک تن اُحد را به بازو شکافت

علی بود و شمشیر دو پیکرش
ولی خدا بود و پیغمبرش
به صفین، حرو را و جنگ جمل
چو حیدر، حسین و حسن در عمل

(همان: ۸۳ و ۸۵ و ۹۱)

وصف حضرت فاطمه(س)

حضرت فاطمه(ع) برترین و والا مقام ترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار است. رسول اکرم می فرماید: «فاطمه سرور زنان جهانیان است».

شناخت سراسر زندگانی و تمامی لحظات حیات او، از ارزش فوق العاده برخوردار می باشد. چراکه آدمی با دقت و تأمل در آن می تواند به عالی ترین رتبه های روحانی نائل گردد. از سوی دیگر با مراجعه به قرآن کریم در می یابیم که آیات متعددی در بیان شأن و مقام حضرت اش نازل گردیده است که از آن جمله می توان به آیه تطهیر، آیه مباحله، آیات آغازین سوره دهر، سوره کوثر، آیه اعطای حق ذی القربی و ... اشاره کرد که خود تأکیدی بر مقام عمیق آن حضرت در نزد خداوند است.

نام مبارک آن حضرت، فاطمه(ع) و برای ایشان القاب و صفات متعددی هم چون زهرا، صدیقه، طاهره، مبارکه، بتول، راضیه، مرضیه نیز ذکر شده است.

فاطمه در لغت به معنی بریده شده و جدا شده می باشد و علت این نامگذاری بر طبق احادیث نبوی آن است که پیروان حضرت فاطمه(ع) به سبب او از آتش دوزخ بریده جدا شده و برکنارند. زهرا به معنی درخشنده است. صدیقه به معنی کسی است که به جز راستی چیزی از او صادر نمی شود. طاهره به معنای پاک و پاکیزه، مبارکه به معنای با خیر و برکت، بتول به معنای بریده و دور از ناپاکی، راضیه به معنای راضی به قضا و قدر الهی، و مرضیه یعنی مورد رضایت الهی.

"ام ابیها" به معنای مادر پدر می باشد و رسول اکرم(ص) دخترش را با این وصف می ستود؛ این امر حکایت از آن دارد که فاطمه به سان مادری برای رسول خدا بوده است. تاریخ نیز گواه خوبی بر این معناست؛ چون هنگامی که فاطمه در خانه پدر حضور داشت و پس از وفات خدیجه(س) غمخوار پدر و مایه پشت گرمی و آرامش رسول خدا بود و در این راه از هیچ اقدامی

مضایقه نمی‌نمود، چه در جنگ‌ها که فاطمه بر جراحات پدر مرهم می‌گذاشت و چه در تمامی دوران حیات رسول خدا:

مادرا ای در صفا چون آفتاب خاوری
جنت لطف خدا در زیر پایت برقرار
دامنت مهد دلیران جایگاه عارفان
باز سر زد نور خورشید جمال احمدی
باز آمد روز جشن مادری فرخنده پی
فر یزدان مهر ایزد بر سریر مادری
می کنی با مهربانی طفل خود را یاوری
دادگر مرد از تو آموزد کتاب داوری
مادری محو جمالش از ثریا تائری
از فروغ روی زهرا پرتو پیغمبری

(انوار عشق، دکتر انوار: ۲۹)

وصف امام حسن (ع)

امام حسن(ع) فرزند امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و مادرش مهتر زنان فاطمه زهرا دختر پیامبر خدا(ص) است. امام حسن(ع) در شب نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت در مدینه تولد یافت. وی نخستین پسری بود که خداوند متعال به خانواده علی و فاطمه عنایت کرد.

بیعت مردم با حسن بن علی(ع)

هنگامی که حادثه دهشتناک ضربت خوردن علی(ع) در مسجد کوفه پیش آمد و مولی(ع) بیمار شد، به حسن دستور داد که در نماز بر مردم امامت کند، و در آخرین لحظات زندگی، او را به این سخنان وصی خود قرار داد: «پسرم! پس از من، تو صاحب مقام و صاحب خون منی» و حسین و محمد و دیگر فرزندان او و رؤسای شیعه و بزرگان خاندان او را بر این وصیت گواه ساخت و کتاب و سلاح خود را به او تحویل داد و سپس فرمود: «پسرم! رسول خدا دستور داده است که تو را وصی خود سازم و کتاب و سلاحم را به تو تحویل دهم. همچنان که آن حضرت مرا وصی خود ساخته و کتاب و سلاحش را به من داده است و مرا مأمور کرده که به تو دستور دهم در آخرین لحظات زندگی‌ات، آن‌ها را به برادرت حسین بدهی».

امام حسن(ع) به جمع مسلمانان در آمد و بر فراز منبر پدرش ایستاد. خواست درباره فاجعه بزرگ شهادت پدرش، علی علیه السلام با مردم سخن بگوید. آنگاه پس از حمد و ثنای بر خداوند

متعال و رسول مکرم (ص) چنین گفت: «همانا در این شب آن چنان کسی وفات یافت که گذشتگان بر او سبقت نگرفته‌اند و آیندگان بدو نخواهند رسید» و آنگاه درباره شجاعت و جهاد و کوشش‌هایی که علی (ع) در راه اسلام انجام داد و پیروزی‌هایی که در جنگ‌ها نصیب وی شد سخن گفت.

وصف امام حسن (ع)

مرحوم دکتر انوار در سروده خود از واژه حُسن (زیبایی و خوبی) استفاده کرده و حضرت را با گلستانی از گل‌های خوشبو همراه ساخته است؛ مثل گل‌های نرگس، لاله، سنبل و از طرفی او را زیبا و خوش آوا توصیف کرده است، چنان که می‌نگارد:

طرح حُسن تو در آینه روی افتاد	دل عشاق به دام خم گیسوی افتاد
فتنه برخاست چو طراحی نرگس کردی	شورش زنگی زلف تو به هر سو افتاد
سنبلت چون قدح لاله به نرگس می داد	باغ رخسار تو رنگین شد و خوشبو افتاد
نرگس و لاله و سنبل چو به هم بنشستند	بلبلت نغمه سرا مست سخنگوی افتاد

(انوار عشق: ۳۳)

انوار و امام حسین (سلطان عشق)

همه این دگرگونی‌ها و شیفتگی‌هایی که در شخصیت مرحوم سریان و جریان داشته است، از برکت عشق به ولایت و به ویژه عشق به امام حسین بوده که او را سلطان عشق نامیده است. عشق به امام حسین مثل بارقه‌ای بود که وجود مشتاق او را یکباره مشتعل کرده است و به پارچه‌ای از عشق و شور الهی مبدل ساخته است. وی عاشق سوخته جان محفل شریعت، غریق بحار اسرار طریقت، ملای انوار احادیث، مظهر صداقت، مداح خاندان طهارت، مشتاق اتصال حضرت الهیت، عاشق معشوق ازلی، نغمه پرداز لم یزلی، پیرو صادق پیغمبر و شارح شرح انور است.

مرحوم شاعر عارف و جامع معارف اسلامی، در این سیر و سلوک، عشق را محور و خمیرمایه کار خود قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد: این عشق است که موجب تزکیه و تصفیه نفس می‌شود. عشق به حق و ولایت در سراسر سروده‌هایش رخ می‌نماید و هر کس به اندازه ظرفیت‌اش از آن دریای معارف اسلامی می‌چشد.

وی کشتش و کوشش عاشق را جانب معشوق بال و پرش می‌داند و می‌گوید: پرواز عاشق با عشق است. اگر شخص خود را به جانب معشوق فانی نسازد، چنین عاشقی در جهان عشق توانایی پرواز ندارد. مرحوم در شعر «سلطان عشق» خود، افکار عرفانی و مذهبی و شور مستی و عشق نشان می‌دهد و از آن باده‌ای که مست شده باز هم می‌خواهد.

این موج گرم و خروشان که در اشعار مرحوم احساس می‌شود، ناشی از اندیشه‌های عرفانی وی است. این شور و سودای تفسیر ناپذیر گاهی رنگ دیگر به خود می‌گیرد، و گویی دمی سوزان بر او تابیده و هر نوع تعیین مشخصی را سوزانیده، خود را گونه دیگری می‌پندارد و چنان بر وجودش مستولی شده است که از خود بیرون جسته و تمام جهات تعیین فردی‌اش در ذات معشوق مستهلک گردیده است.

و اکنون به شعر زیبا و حماسه و عرفان مرحوم را از قلم رسا و گیرای بسیار ارزشمند و ماندگارش می‌خوانیم:

سلطان عشق خیمه به صحرای جان زده است	از غم شراره‌ها به دل انس و جان زده است
دل را سپر نموده و در جلوه گاه یار	تیغ و سنان به دشمن دون بی امان زده است
پا بر فلک نهاده به لاهوت می رود	گام شرافتت که بر فرقدان زده است
افلاکیان ز روزن گردون نظاره گر	چوگان عشق را که به گوی زمان زده است
و آنکه غروب سرخ شهادت که خون نگر	بر اخگر حسین که که به خاکیان زده است
کروبیان ز بام فلک دوخته نگاه	رنگ شفق به جوشن شیر ژبان زده است

(انوار عشق: ۳۸)

امام سجاد(ع)

حضرت امام سجاد یا «زین العابدین» در سال ۳۸ هجری در مدینه ولادت یافت و در واقعه جانگداز کربلا حضور داشت، ولی به علت بیماری و تب شدید از آن حادثه جان به سلامت برد، زیرا جهاد از بیمار برداشته شده است و پدر بزرگوارش - با همه علاقه‌ای که فرزندش به شرکت در آن واقعه داشت - به او اجازه جنگ کردن نداد. مصلحت الهی این بود که آن رشته گسیخته نشود و امام سجاد وارث آن رسالت بزرگ، یعنی امامت ولایت گردد. وی تمام ۳۵ سال عمرش را به مبارزه و خدمت به خلق و عبادت و مناجات با حق سپری کرد. مادر حضرت سجاد بنا بر مشهور شهریانو دختر یزدگرد ساسانی بوده است. آنچه در حادثه کربلا بدان نیاز بود، بهره برداری از قیام و حماسه بی نظیر و نشر پیام شهادت امام حسین(ع) بود، که سجاد(ع) در ضمن اسارت با عمه اش زینب(ع) آن را با شجاعت و شهامت و قدرت بی نظیر در جهان فریاد کردند. فریادی که طنین آن قرن هاست باقی مانده و - برای همیشه - جاودان خواهد ماند. واقعه کربلا با همه ابعاد عظیم و بی ماندش پر از شور حماسی وفا و صفا و ایمان خالص در عصر روز عاشورا ظاهرا به پایان آمد، اما مأموریت حضرت سجاد(ع) و زینب کبری(س) از آن زمان آغاز شد.

وصف امام سجاد(ع) (از زبان مرحوم)

سپس روی سجاد بر آسمان	بگروید و فرمود او آن زمان
منم پور زهرا فروغ هدی	منم پور دخت رسول خدا
بزرگ زنان جهان مام من	به احمد رسد زو همه نام من
دو صد نامه او را پر از صد نوید	بکردند دعوت به کوفه عیان
منم پور آن کس که این کوفیان	نوشتند و کردند او را شهید

(پیشین: ۹۲)

امام صادق(ع)

حضرت امام جعفر صادق(ع) تا سن ۱۲ سالگی معاصر جد گرامی اش حضرت سجاد بود، و مسلماً تربیت اولیه او تحت نظر آن بزرگوار صورت گرفته و امام(ع) از خرمن دانش جدش خوشه چینی کرده است. پس از رحلت امام چهارم مدت ۱۹ سال نیز در خدمت پدر بزرگوارش امام محمد باقر(ع) زندگی کرد و با این ترتیب ۳۱ از دوران عمر خود را در خدمت جد و پدر بزرگوار خود که هر یک از آنان در زمان خویش حجت خدا بودند و از مبدأ فیض کسب نور می نمودند گذارنید.

بنابراین صرف نظر از جنبه الهی و افاضات رحمانی که هر امامی آن را دارا می باشد، بهره‌مندی از محضر پدر و جد بزرگوارش موجب شد که آن حضرت با استعداد ذاتی و شمع علمی و ذکاوت بسیار، به حد کمال علم و ادب رسید و در عصر خود بزرگ‌ترین قهرمان علم و دانش گردید. پس از درگذشت پدر بزرگوارش ۳۴ سال نیز دوره امامت او بود که در این مدت «مکتب جعفری» را پایه‌ریزی فرمود و موجب بازسازی و زنده نگهداشتن شریعت محمدی(ص) گردید. زندگی پر بار امام جعفر صادق(ع) مصادف بود با خلافت پنج نفر از بنی امیه(هاشم بن عبدالملک - ولید بن یزید - یزید بن ولید - ابراهیم بن ولید - مروان حمار) که هر یک به نحوی موجب تألم و تأثر و کدورت روح بلند امام معصوم(ع) رافراهم می‌کرده‌اند، و دو نفر از خلفای عباسی و (سفاح و منصور) نیز در زمان امام(ع) مسند خلافت را تصاحب کردند، و نشان دادند که در بیداد و ستم بر امویان پیشی گرفته‌اند، چنانکه امام صادق(ع) در ۱۰ سال آخر عمر شریف‌اش در ناامنی و ناراحتی بیش‌تری به سر می‌برد.

این دوره یکی از طوفانی‌ترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک سو اغتشاش‌ها و انقلاب‌های پیاپی گروه‌های مختلف، به ویژه از طرف خونخواهان امام حسین(ع) رخ می‌داد، که انقلاب ابو سلمه در کوفه و ابو مسلم در خراسان و ایران از مهم‌ترین آن‌ها بوده است. همین انقلاب سرانجام حکومت شوم بنی امیه را بر انداخت و مردم را از یوغ ستم و بیدادشان رها ساخت. لیکن سرانجام بنی عباس با تردستی و توطئه، به ناحق به خلافت رسیدند.

در مدح امام صادق(ع)

صادق آن پور علی مرتضی	صادق آن سلطان دین مصطفی
عالم صدیق و خورشید هدی	حجت حق نزد اصحاب وفا
آسمان دانش از جهل و عنا	عارف حق یقین و معرفت
رهبر عرفان و پیر اولیا	شارح افکار و آثار علی
بعد او گردید ما را مقتدا	با فروغ علم خود روشن نمود
بر فزود از نورشان لطف و صفا	در جوانی دید جد و باب خویش
میوه بستان شاه انبیا	پور باقر بود آن دریای علم

(پیشین: ۱۰۰-۹۹)

علی بن موسی الرضا(علیه السلام)

امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) هشتمین امام شیعیان از سلاله پاک رسول خدا و هشتمین جانشین پیامبر مکرم اسلام می‌باشند.

ایشان در سن ۳۵ سالگی عهده دار مسئولیت امامت و رهبری شیعیان گردیدند، و حیات ایشان مقارن بود با خلافت خلفای عباسی که سختی‌ها و رنج بسیاری را بر امام روا داشتند و سرانجام مأمون عباسی ایشان را در سن ۵۵ سالگی به شهادت رساند.

نام مبارک ایشان علی و کنیه آن حضرت ابوالحسن و مشهورترین لقب ایشان «رضا» به معنای «خشنودی» می‌باشد. یکی از القاب مشهور حضرت «عالم آل محمد» است. این لقب نشانگر ظهور علم و دانش ایشان می‌باشد. جلسات مناظره متعددی که امام با دانشمندان بزرگ عصر خویش به ویژه علمای ادیان مختلف انجام داد و در همه آن‌ها با سربلندی تمام بیرون آمد دلیل کوچکی بر این سخن است. این توانایی و برتری امام، در تسلط بر علوم یکی از دلایل امامت ایشان می‌باشد و با تأمل در سخنان امام در این مناظرات، کاملاً این مطلب روشن می‌گردد که این علوم جز یک منبع وابسته به الهام و وحی نمی‌تواند سرچشمه گرفته باشد.

بیا بیا که درین خانه جز خدا نبود
ببین بین که در اینجا به جز خدا نبود

عزیز فاطمه خفته است اندرین مأوی	نگر نگر که به جز پور مرتضی نبود
وفای عهد جز از پور مرتضی مطلب	بجز محبت و لطف و به جز صفا نبود
به پیش درگه و ایوان شاه آوآدنی	کلید جنت تاوی به جز وفا نبود

(پیشین: ۹۸)

نتیجه بحث

با مطالعه اشعار مرحوم دکتر/انوار می توان دریافت که وجودش مملو از ایمان به خدا، قرآن، پیغمبر، ائمه اطهار بوده است. مرحوم در کتاب «انوار عشق» خود سعی کرده است چهره ارزشمند اسلام و معارف آن و نیز سیمای ائمه اطهار را به نحو اکمل به خواننده معرفی کند و او را از دریای بیکران لایزالی الهی سیراب نماید. او نشان داده است که عرفان مکتبی انسان ساز است و انسان مؤمن را به سعادت می رساند و این دسته از انسان ها، متفکران آزادی هستند که در کمال وارستگی و آزادی سخن های خود را گفته اند، اما نه متفکران آزاد فارغ از دین و اعتقادات دینی، بلکه متفکران آزادی که خداپرستی و خدا دوستی و پیروی از ولایت آیین آنان است و در پیروی از پیشروان دین در تهذیب نفس و ریاضت اعمال آنان را سرمشق قرار می دهند و در همان حال تأویلات آنان از قرآن و احادیث و سنن و توجیهاتی که در حکمت اعمال پیشوایان و ائمه دین دارند، خواندنی و دیدنی است.

کتابنامه

قرآن کریم.

انوار، امیر محمود. ۱۳۹۱ش، **انوار عشق**، گزیده اشعار عرفانی - ادبی، بی جا: نشر باز.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۸۸ش، **شیعه در اسلام**، قم: بوستان کتاب.

غزالی، امام محمد. بی تا، **اعترافات**، ترجمه زین العابدین کیانی نژاد، بی جا: انتشارات عطایی.

نصر، سید حسین. بی تا، سه حکیم مسلمان، بی جا: انتشارات جیبی.

مقالات

ممتحن، مهدی. بهار ۱۳۸۹، «**امامت و دیدگاه قرآن و اندیشمندان**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه

آزاد جیرفت، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۶۳.